

پیش‌خواب

نیم نگاهی به واپسین اثر
آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی
درباب بینش و روش امام‌خمینی(ره)

سیری در ساحل

■ نیما احمدپور

«سیری در ساحل» عنوان واپسین اثر از آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی است که در تبیین «بینش و روش امام خمینی» ازسوی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی درقم منتشر شده است.
علی احمدی خواه تدوینگر این اثر در مقدمه خویش آورده است: «آنچه به حضور امت عزیز تقدیم می‌شود، رهاورد ۴۰ ساله‌ای از کوی دوست است. نسیم این معانی را از بیان اندیشمندانه فرانزه، اسلام‌شناسی محقق، غرب و شرق شناسی مدقق و حکیمی هستی‌شناس گرفتیم. آن شاگرد شاکر امام که ۴۰ سال بر آستان جانان، خوشه‌چین خرمن معرفت ایشان بود، یعنی که کسب ذری، حضرت آیت‌الله علامه مصباح یزدی حفظه‌الحفظه که سیری تقریباً ۴۰ ساله در ساحل این اقیانوس آرام و بیکرانه داشته است. محصولی که به بازار معرفت عرضه می‌شود، حاصل ۱۱ جلسه از سخنان آیت‌الله مصباح، این بار یافته به بارگاه امام است. این گفتارها در فاصله پنج سال (۶۸، ۷۲، ۷۴ و ۷۸)افاضه شده و مکان و مخاطب این سخنان، مختلف بوده است؛ یعنی از دانشگاه مشهد مقدس تا دانشگاه هامبورگ و لبنان، از مصاحبه با رادیو تا سخنرانی برای مردم، از پیش خطبه نماز جمعه سنقر همدان تا سمینار تخصصی بزرگداشت امام و آرای تربیتی او در یاسوج و... تکیه و تأکید اصلی بر همان ۱۱ جلسه است، ولی بر حسب نیاز به تألیفات دیگر ایشان مراجعه کرده‌ایم. این گفتار را در پنج فصل و یک چکیده سخن گردآورديم که در ذیل می‌بینید:

فصل اول: کلیات

فصل دوم: ابعاد شخصیتی حضرت امام خمینی(ره)

فصل سوم: آرای تربیتی حضرت امام خمینی(ره)

فصل چهارم: راهبرد امام در دفاع از ارزش‌ها

فصل پنجم: اهداف و آرمان‌های حضرت امام خمینی(ره)

پنهان مباد که باید از این نوشتار، به‌قدر وسع این ۱۱ جلسه انتظار داشته باشیم و نه به مقدار حضرت امام(ره) و نه به اندازه معرفت حضرت استاد زید عزه العزیز. وانگهی به فرموده خود حضرت استاد، اولاً از مقدار اطلاعات مخاطب باخبر نبوده است تا مطالب جدید و غیر تکراری بگوید.
با این وصف، باز هم تلاش استاد بر این بوده است که از تکرار مکررات بپرهیزد، حتی ذکر نام استادان، شاگردان امام و تألیفات ایشان را نیز سر بسته گذاشته یا به اجمال اشاره فرموده است.
منظور اینکه افزون بر محدود بودن این ۱۱ جلسه (منبع اصلی نوشتار) داب حضرت استاد نیز برگزیده گویی است.
با اجازه ایشان، برخی اشاراتی این بزرگوار را اندکی تفصیل دادیم و در باورقی آورده‌ایم، برای آن بوده است که اگر خواننده با اشتباهی مواجه شد، بداند ما خطا کرده‌ایم که سعی ما در این‌دادی مقدس با صفا بوده باشد و مورد رضای استاد و شاگرد که خشودی خدا در خرسندی ایشان است.»
آیت‌الله مصباح یزدی در بخشی از آغازین گفتار این مجموعه آورده‌اند: «۱۳۲۱ ه‍.ش که برای ادامه تحصیل به قم آمدم، در درس حضرت امام که آن هنگام در سراه موزه، یعنی مسجد محمدیه برگزار می‌شد، شرکت کردم و درس ایشان را از ترم درس‌های خارج دیگر که در حوزه گفته می‌شد، بهتر یافتم، هم از لحاظ بیان که بیانی بسیار رسا و شیوا داشت، هم از جهت تنظیم مطالب که مطالب چگونه برداشت و از کجا شروع و به چه صورت ختم شود و هم از نظر احاطه بر افکار دیگران و بررسی و نقادی آنان، درس ایشان، درس ایده‌آلی که نظم آمد. بر آن شدم که درس‌های آینده بشود را در محضر ایشان ادامه دهم و ظرف علمی خویش را از این بحر گهربار و چشمه فیاض پر کنم. خدا را بسیار که این گونه نه ستاد در بخشی دیگر از این گفتار در تبیین شخصیت عبادی حضرت امام آورده‌اند: «این چه شخصیت و روحی است که در واپسین لحظه‌های عمر توجهش فقط به خدا و انجام وظیفه است و بس. بهترین سرمایه و هدیه‌ای که برای فرزندان خویش بر جای می‌گذارد، این است: «افرومانی خدا و گناه نکند» تأکید و تکیه کلامش در تمام عمر، این بود که خدا او چه خواسته است، می‌کوشید آن را انجام دهد تا به تکلیف عمل کرده باشد.»

۴ علی احمدی‌فراهانی

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر یاد و خاطره عالم زاهد و مجاهد، مرحوم آیت‌الله حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی (قدس سره)، از عالمان پارسا و مبارز دوران حاضر است. آن بزرگ بر خوردار از مراتب والای علم و عمل و جهاد در راه خدا بود و جمع تمامی این‌خصال در وی، احترام بلیغ عالمان سراسر کشور، به ویژه مشهد مقدس را برانگیخته بود. مقالی که پیش‌روی دارید، براره‌ای از فضایل و کمالات علمی و عملی آن بزرگ را باز نمایانده است. امید آنکه مقبول و مفیدافتد.

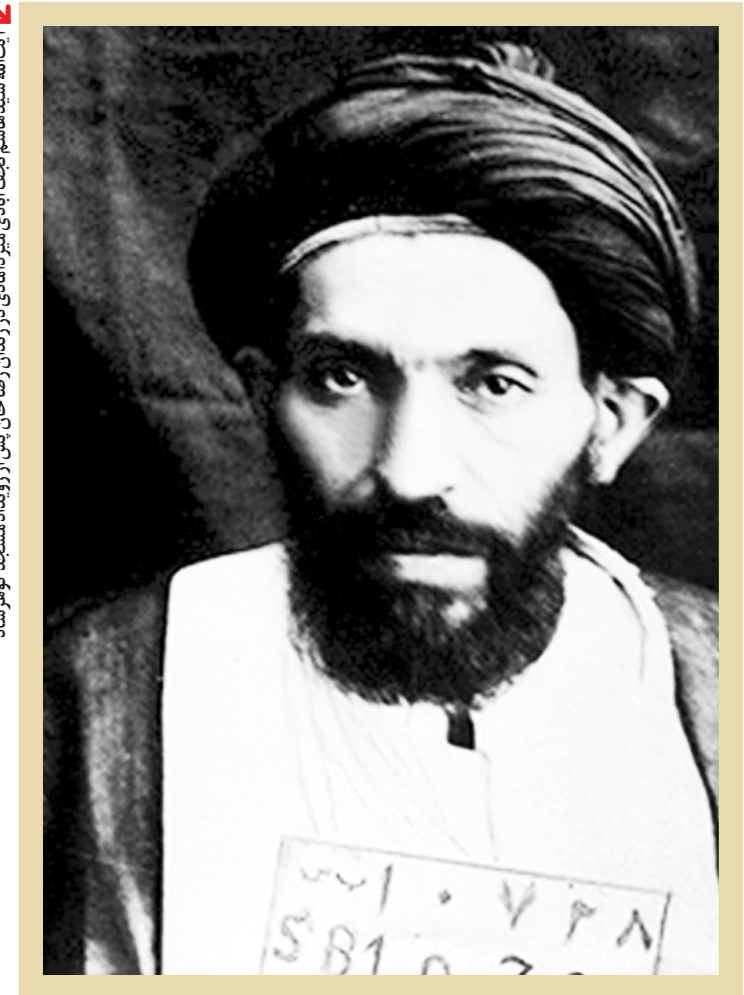
■ ■ ■

■ **آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی که بود؟**

فقید سعید و عالم، مفضال، مرحوم آیت‌الله حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی، جد مادری رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای(دام ظله، در سال ۱۲۶۱ه‍.ش در نجف اشرف در خاندان فضیلت و علم به بر عرصه وجود نهاد. نسب ایشان با سی واسطه به امام جعفر صادق(ع) می‌رسد. سال‌ها قبل از میلاد آن بزرگوار، سیدمحمدباقر فرزند سیدمرتضی از بزرگان این خاندان مکرم و معزز در نجف‌آباد اصفهان سکنی گزید و در آنجا به تعلیم مباحث دینی و ترویج احکام پرداخت. مرحوم آیت‌الله حاج سیدهاشم فرزند سیدمحمد و از نوه‌های سیدمحمدباقر است.
ایشان در سنن دو سالگی از قید وجود پدر محروم شد و مادر مکرمشان سرپرستی ایشان را به عهده گرفتند. فرزند ایشان مرحوم حجت‌الاسلام سیدحسن میردامادی درباره مکانت و جایگاه علمی پدر چنین می‌نویسند: «پدر می‌فرمودند بیش از آنکه به بلوغ برسم، بیشتر ایام را در محضر رجال علمی و مراجع گرانقدر می‌گذراندم و لذا برای کسب علم آمادگی خوبی پیدا کرده بودم و تنها آرزویی که داشتم رسیدن به مقامات عالی در علم و عمل بود. مادرم اصرار داشتند برای کمک به معاش خانواده کار و درآمدی کسب کنم تا اینکه یکی از استادانم با مادرم صحبت و مشکل را حل کردند.»

آیت‌الله سیدهاشم میردامادی پس از تحصیل در دوره مقدماتی دروس حوزه علمیه قم به نجف اشرف رفتند و از محضر بزرگان، علما و مراجع بزرگ آن دوران از جمله آیت‌الله محمدتقی شیرازی – میرزای کوچک – میرزای نائینی، حاج سیدابوالحسن اصفهانی، آخوند خراسانی و درس عرفان و اخلاق سیداحمد کربلایی، میرزا جواد آقا تبریزی و سیدمرتضی کشمیری کسب فرمود. ایشان هنوز جوان بود که به درجه اجتهاد رسید و جایگاه علمی شامخی یافت و پس از مدتی به مشهد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت.

مرحوم آیت‌الله سیدهاشم میردامادی در ماجرای کشف حجاب رضاخان در سال ۱۳۱۲، از جمله رهبران شاخص مبارزه بودند. پس از کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ه‍.ش، او بر پی سیاست فرهنگ‌زایی دینی و ترویج آداب و رسوم غربی در جامعه ایرانی، دستور پوشاندن لباس متحدالشکل و متعاقب آن، کشف حجاب بانوان را صادر کرد که بلافاصله علما و مراجع



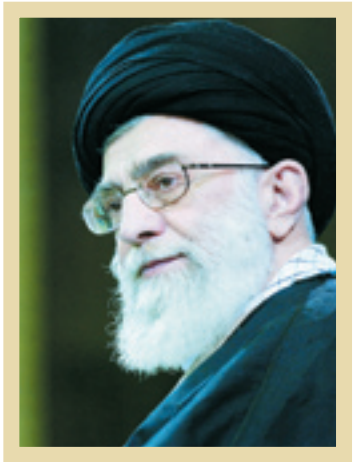
آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی میردامادی در زندان رضاخان پس از رویداد مسجد گوهرشاد

احیای نام بزرگانی چون آیت‌الله میردامادی، نه به مثابه نقل بخش‌هایی از تاریخ علمی و مبارزاتی حوزه‌های علمیه و نه حتی به مفهوم ذکر فضایل و مناقب ایشان – که چهره‌هایی چون او را بدین مناسک حاجتی نیست – که برای الگوسازی برای نسل جدید طلاب و دانش پژوهان دینی و در نگاه کلی تر برای جوانان و جویندگان راه صورت می‌گیرد و

جلوه‌هایی از منش فردی و مبارزاتی آیت‌الله حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی

اهتمام به امر دین در میدان‌های دشوار و پرخطر

بزرگ قم، مشهد و تهران با آن به مخالفت پرداختند. در پی این فاجعه، آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به عنوان اعتراض به تهران رفتند، اما رضاخان دستور دستگیری و زندانی کردن ایشان را صادر کرد.
علمای مشهد بر دستگیری آیت‌الله قمی و برای چاره‌جویی و مشورت، در منزل بزرگانی چون آیت‌الله سیدهاشم میردامادی و آیت‌الله سیدپونس اردبیلی گرد آمدند. مردم مشهد همچنان به مبارزات خود ادامه دادند و به مسجد گوهرشاد رفتند. در مشهد مراسم بزرگی در مسجد گوهرشاد برگزار شد و مرحوم بهلول در آن سخنرانی کرد. این تجمع با هجوم مأموران حکومتی به خاک و خون کشیده شد و عده زیادی کشته و مجروح و مرحوم بهلول متواری شدند. متعاقب این رویداد، مأموران حکومتی علمی بزرگ مشهد، از جمله آیت‌الله سیدپونس اردبیلی، آیت‌الله سیدهاشم میردامادی، آیت‌الله شیخ‌علی‌اکبر نهاوندی و آیت‌الله شاهرودی را بازداشت کردند. آیت‌الله سیدهاشم میردامادی را پس از مدتی به زندان مشهد منتقل و سپس همراه با ۲۴ تن از علمای مبارز به سمنان تبعید کردند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای درباره پیشینه مبارزاتی نیای مادری خود آیت‌الله سیدهاشم میردامادی و اسناد مربوط به آن فرموده‌اند: «دو عکس



آیت‌الله خامنه‌ای: اهتمام به امر دین در میدان‌های دشوار و پرخطر، از قبیل حضور در مجاهدت علمای مشهد در مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی، از نقاط برجسته زندگی او بود که تحمل زندان و تبعید شش ساله از سوی دستگاه رضاخانی در سمنان و شهر ری نتیجه قهری آن به شمار می‌رفت

نزد من موجود است که آن مرحوم در زندان رضاخان است و پلاکی روی سینه دارد و یکی از آن دو تصویری از مقابل است و دیگری به صورت نیمرخ...» پس از سرنگونی رضاخان در سال ۱۳۲۰ ایشان به مشهد بازگشتند و سال‌های سال در مسجد گوهرشاد به تفسیر قرآن و اقامه نماز جماعت پرداختند.
آیت‌الله سیدهاشم میردامادی شخصیتی خوش خلق، متقی و بسیار خائرس بود و زندگی بسیار ساده و همراه با قناعتی داشتند. آنچه را که مورد نیاز ایشان نبود به تهیدستان می‌بخشیدند و همواره از اموالی که به شبهه آمیخته بود پرهیز می‌کردند. هرگز کسی از ایشان دروغی نشنیدند و آزاری ندید. بسیار متواضع و فروتن بودند و از کبر و غرور در ایشان اثری نبود. توکل ایشان به خدا ریزانده همگان بود. فرزندشان می‌گوید: «مادر همیشه می‌گفتند پدرتان از تجملات بیزار است، پس اندازی ندارد و یک فرشته به تمام مناسبت.»

مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی که مدت زیادی در نجف اشرف با ایشان مصاحبت داشتند، نقل می‌کردند: «آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی با آیت‌الله سیدمحسن حکیم همدرس و هم‌مباحثه بودند و همیشه وقتی به نجف می‌آمدند، ابتدا به منزل ایشان وارد می‌شدند. ایشان حدود ۴۰ سال در مشهد تفسیر قرآن می‌گفتند. من در ۱۵ سالگی و در قضیه کشف حجاب و حمله به مسجد گوهرشاد به مشهد رفتم و دیدم داشتند خون‌هایی را که روی زمین و دیوارهای مسجد بود پاک می‌کردند. آن موقع ایشان را تبعید کرده بودند.»

از آیت‌الله میردامادی آثار فراوانی به‌جامانده است که از آنها می‌توان به ترجمه کتاب «سیف‌الامه» مرحوم آیت‌الله نراقی، سال‌های در رجعت، شرح علمای بزرگ همراه با داستان‌ها، خلاصه البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر فارسی قرآن، برخی از تقریرات درس مرحوم میرزای قزوینی مادر قرآنی را در نجف و در محضر آیت‌الله سیدهاشم میردامادی در سال ۱۳۳۶ در سن ۷۷ سالگی به علت بیماری رحلت کردند و پیکر ایشان در رواق السعاده، در حرم جوار مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

■ **سلف صالح در آئینه توصیف خلف صالح**
رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (دام‌ظله) در پیامی که به مناسبت همایش نوداوشتن این علم ربانی صادر کردند، به پاره‌ای از خصال ارجمند نیای خویش اشاره فرمودند که در مجموع می‌تواند ترسیم گر منش والا و ارجمند آن عالم ربانی باشد. در این پیام آمده است: «تجلیل و تکریم نام و یاد عالم ربانی، فقیه و مفسر پارسا و پرهیزگار، مرحوم آیت‌الله آقای حاج سیدهاشم نجف‌آبادی (رضوان‌الله‌علیه) کار شایسته‌ای است که به توفیق و هدایت الهی، دفتر تبلیغات بدان همت گماشته است. این روحانی عالی‌قام که مراتب علمی را در نجف و در محضر اساتید بنام آن روزگار طی کرده و متفخر به اجازه و شهادت علمی از آنان بود، در مدت نزدیک به ۴۰ سال اقامت در مشهد مقدس، بیشترین تلاش خود را به تفسیر قرآن منعطف ساخته و محفل گرم و بی‌وقفه

تفسیری جذابی در مسجد گوهرشاد (شبهستان شمال غربی) برپا نموده بود. هر شب پس از اقامه نماز جماعت، جمعی از ارادتمندان مشتاق، گرد منبر بی‌پیرایه این عالم عامل، مجتمع گشته و از بیان شیرین و نفس‌آو سخن خدا را می‌شنیدند و این سفره گسترده معرفت و حکمت، ده‌ها سال، مائده الهی و قرآنی را نصیب دوستداران می‌کرد. ثبّت و نگارش همین درس‌های شبانه، تلاش دیگر این عالم قرآنی باخلاص بود که اکنون بحمدالله در اختیار همگان قرار گرفته است. در کنار این تلاش ارزشمند قرآنی که در محیط عمومی آن روز مشهد، نظریی برای آن دیده نمی‌شد، توغل و تبحر در کلمات اهل بیست(ع) نیز خصوصیت برجسته دیگر این عالم متقی و متعبد بود. تسلط او بر حدیث چنان بود که در هر مجلس و محفل، حتی در جمع خانوادگی – که این حقیر در دوران کودکی و نوجوانی تا اوایل جوانی از اقبال حضور در آن برخوردار بودم – شرح‌های از آن کلمات نورانی را به کام حاضران می‌ریخت و مجلس را با ذکر کلمات امامان هدایت(ع) منور می‌ساخت.

رفتار و منش عملی ایشان در زندگی شخصی به گونه‌ای بود که گفتارش را نافذ و اثرگذار می‌کرد. حضور و استفاذه او از محضر علمای بزرگ اخلاق و سلوک توحیدی در نجف از قبیل عالم سالک واصل الی‌الله مرحوم سیداحمد کربلایی، از او متعددی با ذکر کلمات امامان هدایت(ع) منور، پدید آورده بود؛ تمتعات متعارف زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و شئون اجتماعی و امثال آن، در زندگی او نمودی نداشت. در عین حال اهتمام به امر دین در میدان‌های دشوار و پر خطر، از قبیل حضور در مجاهدت علمای مشهد در مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی، از نقاط برجسته زندگی او بود که تحمل زندان و تبعید شش ساله از سوی دستگاه رضاخانی در سمنان و شهر ری نتیجه قهری آن به شمار می‌رفت. مرحوم آیت‌الله نجف‌آبادی، عالمی جامع و عامل و مراقب بود و در مشهد آن روز ارادتمندان و مخلصان فراوان داشت و هنگامی که خبر وفات ایشان در سال ۱۳۸۰ قمری به قم رسید – و اینجانب در آن سال‌ها در قم اقامت داشتم – مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی مجلس ترحیم مجلی در مدرسه فیضیه اقامه فرمود و این حقیر و برادر بزرگ و مکرم مرا مورد تقدیر قرار داد. شایسته می‌دانم که در این مناسبت از فرزند فاضل ایشان مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدحسن میردامادی یاد کنم که پس از پدر، رشته تفسیر را به شیوه آن مرحوم ادامه داد و سال‌ها محفل گرم تفسیری پدر را حفظ کرد. رحمت خدا

مرحوم سیدهاشم رفیق بود و به نظر می‌رسید هر دو به درس پدر، یعنی سیدمرتضی کشمیری حاضر می‌شدند، یک روز خدمت مرحوم سیدمحمد رفته بودم در حالی که مرد بزرگی حدود ۷۰ سال داشت، ایشان به من گفت: مفتاح‌الجان را باز کن و دعای ابو حمزه را بپاور. من آوردم، فرمود: خط ببر! من خط می‌بردم و ایشان می‌خواند. یکی دو صفحه که خواند، خسته شد و فرمود: دیگر بس است، معلوم بود دعا را از حفظ داشته و تردید در فراموشی آن کرده است.»

مکات عرفانی آیت‌الله میردامادی مورد اذعان و افتخار دیگر کسانی است که در دوران اقامت در مشهد با ایشان ار تباط داشته‌اند. حجت‌الاسلام سیدحسن ابطحی در این‌باره می‌نویسد: «در دورانی که در مشهد مشغول درس بودم با مرحوم آیت‌الله میردامادی که به عقیده من از اوایل خدا بودند بسیار مأنوس بودم و با پسر ایشان آقای سیدحسن میردامادی در مدرسه نواب هم‌حجره بودیم و لذا وقتی به قم رفتم در تابستان‌ها که به مشهد مشرف می‌شدم خدمت معظم‌له می‌رسیدم و از تفسیر قرآنی که ایشان در مسجد گوهرشاد بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء، می‌فرمودند استفاده می‌کردم و گاهی به منزل ایشان که نزدیک مدرسه نواب بود می‌رفتم و از معارف معظم‌له بهره می‌برد.م نزدیک ظهر که می‌شد آیت‌الله میردامادی که مشهدی‌ها به ایشان می‌گفتند آقای نجف‌آبادی از منزل پیاده به طرف مسجد گوهرشاد برای اقامه نماز جماعت ظهر و عصر می‌رفتند و دوست نداشتند کسی با ایشان حرف بزند و از کنار آب خیابان حرکت می‌کردند که مشغول ذکر بودند. یک روز من متوجه شدم که معظم‌له نوافل ظهرشان را در راه می‌خوانند. یک روز که من در راه کنار ایشان می‌رفتم درباره پرسش‌ان با من خیلی صحبت کردند و بیشتر نظرشان این بود که از او بخواهم در مسائل معنوی بیشتر مقید باشد.»
حجت‌الاسلام سیدمهدی طباطبائی از واعظ و معلمان اخلاق در تهران نیز از جمله چهره‌هایی است که در دوران جوانی و اقامت در مشهد، دل در گرو و تعالیم و منش آیت‌الله میردامادی داشته است. ایشان خاطره خود با آن عارف روشن ضمیر در سفر حج را بدین گونه روایت کرده است: «با آن مرحوم به سفر حج مشرف شدیم. من نوجوان بودم و از اینکه همسفر آقای سیدهاشم نجف‌آبادی بودم، خوشحال و را فرصتی بسیار مغتنم می‌دانستم. از جمله توصیه‌های آن جناب به اهل کاروان، از جمله حقیر این بود که برای رسیدن به مقامات معنوی و دریافت فیوض روحانی برای خود دعا نکند، من



آیت‌الله نجف‌آبادی (ردیف اول نفر دوم از چپ) در کنار علمای مشهدا از جمله آیات سیدعلی اکبر خویی و سیدپونس اردبیلی



روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر یاد و خاطره عالم زاهد و مجاهد، مرحوم آیت‌الله حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی (قدس سره)، از عالمان پارسا و مبارز دوران حاضر است. آن بزرگ بر خوردار از مراتب والای علم و عمل و جهاد در راه خدا بود و جمع تمامی این‌خصال در وی، احترام بلیغ عالمان سراسر کشور، به ویژه مشهد مقدس را برانگیخته بود

به این توصیه عمل می‌کردم، ولی روزهای یابانی سفر، دل طاقت نیاورد و برای خود نیز دعا کردم، مرحوم سیدهاشم نجف‌آبادی مرا بازخواست کرد و فرمود: به توصیه ما عمل نکردی!»

■ **واپسین کلام**

احیای نام بزرگانی چون آیت‌الله میردامادی، نه به مثابه نقل بخش‌هایی از تاریخ علمی و مبارزاتی حوزه‌های علمیه و نه حتی به مفهوم ذکر فضایل و مناقب ایشان – که چهره‌هایی چون او را بدین مناسک حاجتی نیست – که برای الگوسازی برای نسل جدید طلاب و دانش پژوهان دینی و در نگاه کلی تر برای جوانان و جویندگان راه صورت می‌گیرد. تربیت امروزین این قشر باید از منش والای سلف صالح رنگ گیرد و در این صورت است که اصالت‌های علمی و عملی ما حفظ و روزافزون خواهد شد و دستان ما برای مواجهه با تهاجم فرهنگی دشمنان همواره باز و پر خواهد بود.